

از 1924الی 2024؛ سقوط خلافت صدساله شد!

(ترجمه)

امروز 3 مارچ 2024م، صدومین سال یاد سقوط خلافت عثمانی در 3 مارچ 1924می باشد؛ خلافتی که به اسلام حکم می کرد و مثالی از خلافت اسلامی بود. هیچ مؤمنی منکر فضیلت خلافت عثمانی در نشر و گسترش اسلام، حفاظت و حمایت از امت و نهضت و پیشرفت آن نیست؛ خلافت عثمانی که مدت سه قرن قدرت اول و بلامنازع جهان بود.

فلسطین در دستان صلیبی ها و یهودیان نیفتاد؛ مگر بعد از سقوط خلافت! ساختار کنونی شکل نگرفت؛ مگر بر ویرانه های خلافت! مرزهای دروغین سایکس-پیکو ما را تکه تکه نکرد؛ مگر بعد از مثله کردن جنازه خلافت! خلافت درع و سپر، حصن و دژ و سلطان و اقتدار ما بود؛ پس از نابودی آن هم چو یتیمانی شدیم که حرمت های ما از بین رفت، مقدسات ما هتک حرمت و منابع مان هم تاراج شد و در بوسنی، عراق، فلسطین، کشمیر، سوریه و برما، افغانستان... جنایات و قتل عام هایی علیه ما صورت گرفت.

خلافت آن دژ مستحکمی بود، با وجود عیب هایی که در آن ظاهر شد، هرگز کسی یا چیزی نمی تواند حقیقت عظمت و پیشگامی آن را در نزد امت دچار شک و شبهه ای کند. با تمام توصیفات خوب و بد تاریخ خلافت و دولت خلافت، لازم است بدانیم یگانه الگویی که الله متعال جهت سیاست و پیشبرد امور برای ما ترسیم کرده، خلافت راشده بر منهج نبوت است؛ همانگونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث امام احمد از بازگشتش بشارت داده است:

«ثم تكون خلافة علی منهج النبوة»

ترجمه: پس از آن خلافت بر منهج نبوت خواهد بود.

خلافت نظامی ست که اسلام را به صورت کامل در فکر و عقیده و منهج خود مجسم می کند و پراکندگی امت را وحدت می بخشد. در نظام خلافت به طور قطع سیادت و رهبری در دست شرع است. این بدان معناست که عقیده اسلامی منبع و مصدر کلیه نظام ها و تشریعات و اساس افکار و جهت گیری ها و ارزش ها می باشد.

خلافت آن نظامی ست که در آن امت حاکمان خود را با میل و رغبت و بدون اجبار و تقلب انتخاب می کنند؛ امتی که نخبه ها و بهترین های خود را برمی گزینند تا بر اساس کتاب پروردگارشان در بین شان حکم کنند. چنانچه حکام منتخب به نیکی حکومت می کردند و از طرف امت هم حمایت و یاری می شدند؛ اگر کوتاهی می کردند، توسط همان امت بازخواست می شدند؛ اگر ظلم می کردند در مقابل شان استاده می شدند و اگر چیزی غیر از اسلام در بین شان حکم می کردند، در برابرش خروج می کردند و با او می جنگیدند.

پس بر ماست که تمام افکار پلید غرب کافر را هم چو میهن پرستی، ناسیونالیزم، فرقه گرایی و تمام نظام های جاهلی سکولار و جمهوری و پادشاهی را سرنگون نماییم و سراز نو صفحات جدیدی را در تاریخ دولت خلافت رقم بزنیم؛ چرا که خلافت یک تکلیف

شرعی و یک ضرورت سیاسی است و امت بدون آن بقا نخواهد داشت؛ بلکه در این صورت هم‌چو بردگان کافرانی می‌مانیم که به دولت و مقدسات ما هتک حرمت می‌کنند و حاکمان ما هم همکار کفار علیه ما هستند.

پس از نابودی خلافت اسلامی - که خلافت عثمانی مثال و نمونه آن بود- فکر سکولاریزم کافر و فرهنگ فاسد غربی بر ما تحمیل شد و حاکمان تاریک‌قلب بر ما مسلط شدند و در خدمت کردن به اربابان صلیبی‌شان به تحقیر ما ادامه دادند.

برماست که تمام دولت‌های مرزبندی شده‌ای که کفار بر ویرانه‌های حکومت اسلامی بنا کردند و از طریق آن وحدت و یکه‌تاز بودن امت را از ما گرفتند، کافر باشیم؛ استعمارگرانی که توسط همین فکر دولت‌های ملی ما را تکه‌تکه کردند؛ به گونه‌ای که اصلاً توان دفاع از خود را نداریم! پست‌ترین افراد روی زمین، اعم از هندو، یهود، نصارا و صلیبی‌ها بر ما حمله کرده و جان، شرف و حیثیت ما را از بین برده اند؛ همانطور که اکنون در غزه جریان دارد.

دین الله متعال بدون خلافت قایم و تطبیق نمی‌شود، وحدت امت شکل نمی‌گیرد و پرچم توحید برافراشته نمی‌شود؛ مگر این که لشکریان امت برای ویران کردن سنگرهای کفر و پایین کشیدن پرچم‌های جاهلیت و عصبیت حرکت کنند. پس برای تأسیس مجدد خلافت لازم است که در راه اطاعت از الله متعال و به خاطر نهضت امت، با نهایت توان تلاش ورزیم.

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (32) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [توبه: 32-33]

ترجمه: می‌خواهند نور الله را با دهان‌های‌شان خاموش سازند؛ ولی الله جزاین نمی‌خواهد که نور خود را به کمال برساند؛ هرچند کفار ناراحت باشند. او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه‌ی دین‌ها پیروز گرداند؛ هرچند مشرکان ناراحت باشند.

نویسنده: استاد منذر عبدالله

مترجم: مهدی اسلامی